

”

در مورد چهره‌ها و مسئله‌هایی سخن گفته که تهرانی نیستند و این خودش یک ایستادگی در برابر حجم شدید تهران زندگی است که مدام در رسانه‌ها و در دروس آموزش و پرورش ما پمپاژ می‌شود و یک شوقی نسبت به عدالت، امیدی نسبت به پیشرفت را ایجاد می‌کند که به نظرم خیلی اهمیت دارد



”

هرچقدر شما درباره هویت و هویت روستایی با دانش آموزت صحبت کنی، اثرش محدود است اما مثلا وقتی کار جناب آقای قاسم اصلانی را می‌گذاری جلوی دانش آموز، حالا او می‌تواند آن مفهوم را به صورت عینی و ملموس درک کند

آقای علی پارسانیا، معاون وزیر آموزش و پرورش:

ما در تربیت نیاز به قهرمان داریم. در تعلیم و تربیت هر مکتب، دو بخش داریم: یک بخش ایده‌هاست و یک بخش نمادها. ایده‌ها یعنی بنیاد معرفتی و اندیشگانی آن بنیاد تربیتی. هیچ جریان آموزشی و پرورشی در دنیا نیست که برخاسته از مکتبی نباشد؛ قطعاً یک مکتب و اهداف و اصول و روش‌ها و ساز و کارهایی دارد. معمولاً وقتی می‌خواهیم مکتبی را بشناسیم، می‌رویم سراغ مفاهیم و ایده‌هایی که آن مکتب را توضیح داده‌اند. بعد می‌گوییم که غایت تربیت این مکتب، تربیت چنین انسان‌هایی است و نمونه نشان می‌دهیم. بنابراین گرچه معرفت خودش انگیزه بخش و حرکت آفرین است، اما تا وقتی که از این ایده‌ها و مفاهیم انتزاعی، روی زمین نمادهای عینی و عملیاتی ننشینند، این مکتب در عمل به ثمر نمی‌رسد و در حد کاغذ و کتاب و منابع می‌ماند. روایت قهرمانان تربیتی کارش این است، که می‌آید ایده‌های مکتب تربیتی شما را به صورت ملموس و عینی جلوی روی دانش آموز و مربی می‌گذارد و وقتی که آن نمونه عینی جلوی روی دانش آموز قرار گرفت، دقیق‌تر و تفصیلی‌تر می‌فهمد. هرچقدر شما درباره هویت و هویت روستایی با دانش آموزت صحبت کنی، اثرش محدود است اما مثلا وقتی کار جناب آقای قاسم اصلانی را می‌گذاری جلوی دانش آموز، حالا او می‌تواند آن مفهوم را به صورت عینی و ملموس درک کند. هرچقدر درباره اینکه یک شبه آدم به نتیجه نمی‌رسد، صحبت کنید و بگویید اینگونه نیست که مسئله‌ها همیشه ثابت باشد، بلکه همواره و در طول زمان مسئله‌ها تغییر می‌کند و مهم این است که توی انسان مسئله داشته باشی و کم‌کم مسئله‌ها و ایده‌ها و کارهایت را بزرگ کنی، باور نمی‌کند. ولی وقتی نمونه کار سجاد حبیبی را می‌بیند که شاید از ابتدای خواسته یک جریان جدیدی را در باز یافت رقم بزند، اما وقتی بایک مسئله دیگری وارد کار شده و به ایده مصالح ساختمانی رسیده است؛ برای دانش آموز

شهود رخ می‌دهد. ارزش این کتاب از این حیث است که آمده از زبان اثبات عدول کرده به ثبوت. در واقع به جای اینکه بیایی از امید و تلاش و جهد و جهاد صحبت کنی، نمونه‌های تلاشگری و جهد و جهاد را نشان می‌دهی. دیگر لازم نیست با دانش آموز وارد مباحثه استدلالی بشوی. او نمونه عملیاتی آن را دیده است. لذا امتیاز داریم برای اینکه بچه‌های ما با نگاه حل مسئله، روحیه مسئولیت‌پذیری ملی و حتی بین‌المللی پیدا کنند، یک نهضت تربیتی از قهرمان‌های بین‌المللی و بومی خودمان راه بیندازیم و آن چیزی را که می‌خواهیم در قالب کلمات به بچه‌ها بگوییم و در قالب تصاویر به آنها نشان بدهیم. کار اول کتاب یارش همین تصویرسازی بوده است و کار دوم آن، شوق آفرینی است. هرچقدر ما در باره امید و تلاش صحبت کنیم و مربی ما هم خوب به معرفتی که مدنظر معلم است، دست پیدا کند، آنقدری تأثیرگذار نیست که دیدن این نمونه‌ها برایش شوق آفرین و انگیزه بخش است. چنین روایت‌ها و کتاب‌هایی، در لایه انگیزشی و روانی و عاطفی دانش آموز هم کار معلم را خیلی آسان‌تر می‌کند.

